

بررسی کتیبه‌های مسجد مدرسه دارالاحسان سنندج با تاکید بر نمونه‌های شعر فارسی

دکتر محمد ابراهیم زاری*

* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

نگارش شعر بر بناهای ایران دوره اسلامی شیوه‌ای مرسوم بوده که در دوره نیز قاجار گسترش یافت. این سبک نه تنها در بناهای پایتخت، بلکه در بناهای مراکز ایالات و شهرها هم مورد توجه بنیان و حاکمان محلی قرار گرفت. از شعر به عنوان بخشی از آرایه و معرفی ساختمان در مسجد - مدرسه دارالاحسان از آثار دوره قاجار شهر سنندج، استفاده شده است. در این بنا اشعاری در کتیبه‌های سنگی و کاشیکاری نقش بسته که علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسی، زمان احداث بنا و بویژه از نظر ماده تاریخ اهمیت دارد. این اشعار توسط دو تن از شاعران صاحب سبک در ماده تاریخ‌گویی دوره قاجار همچون میرزا فتح‌الله خرم سنه‌ای متخلص به «خرم» کردستانی و میرزا صادق اصفهانی متخلص به «ناطق» سروده شده است. مساله این است که هدف سازنده در قرار دادن کتیبه به صورت شعر چه بوده است؟ آیا دست‌یابی به اوضاع اجتماعی و فرهنگی این بخش از کشور و تاثیرپذیری از ساختار دیوانی - اداری حکومت مرکزی امکان پذیر است؟ به نظر می‌رسد که هدف بانی علاوه بر نشان اقتدار خویش، برقراری ارتباط با مراجعان به این مکان بوده است. علاوه بر این، در این اشعار که در قالب قصاید مدحی هستند به زمان آغاز و پایان کار مسجد، سفارش دهنده و حامیان آن اشاره شده است. در این شیوه تأثیر ساختار دیوانسالاری اداری، فرهنگی و اجتماعی پایتخت در اشعار و ساختار مسجد به خوبی قابل درک است. سروده‌ها رقابت بین شاعران در دارالحکومه سنندج از یک سو و از سویی توجه به اجرای برنامه‌های بزرگ و توسعه معماری در سنندج را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: سنندج، خرم کردستانی، ناطق اصفهانی، شعر فارسی، مسجد - مدرسه دارالاحسان.

درآمد

ماندگاری نام خویش نداشتند، ولی به تدریج مضمون و مفاهیم کتیبه‌ها به شرح و توضیح ساخت بنا و نیت سازندگان تبدیل گردید.

از زمانی که آیات قرآنی بخش عمده‌ای از تزئینات بناها، به ویژه مساجد شد، از آیاتی که متناسب با ساخت مسجد و پیروزی و همبر با فتوحات حاکم زمان بود نیز استفاده گردید. هر چند که، این شیوه تا قرن‌ها مرسوم بوده است، اما از قرون

در بناها و آثار تاریخی نوشتن عبارات کوتاه که شامل زمان ساخت، نام سفارش دهنده و سازندگان و هنرمندان می‌شد، معمول بوده است. در ادامه این روش استفاده از آیات قرآنی و همچنین سخنانی از بزرگان دینی هم رایج گردید. از سروده‌های شاعران با این مضمون در آغاز بر بناها استفاده نشده است. اگرچه در آغاز بنیان و سازندگان آثار معماری هدفی جز

و ناطق اصفهانی برای نخستین بار معرفی گردیده است. بنابراین روش تحقیق توصیفی تاریخی - تحلیلی است که بر بنیاد یافته‌های میدانی و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای است.

موقعیت، سابقه تاریخی و توصیف

این مسجد در ضلع شمالی خیابان امام خمینی شهر سنندج قرار دارد. بر اساس نوشته‌های موجود بنای مسجد از سال ۱۲۲۶ ه. ق. تا ۱۲۳۲ ه. ق. توسط امان الله خان اردلان والی کردستان ساخته شد. در تاریخ‌های محلی هم به این موضوع اشاره گردیده، ولی تاریخ آنها از سال ۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸ ه. ق. است (وقایع نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۳۸؛ سنندجی، ۱۳۶۶: ۲۳-۱۵). در بررسی‌های نگارنده مشخص گردید که این بنا از سال ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۲ ساخته شده است.

این بنا ترکیبی از مسجد - مدرسه است که دارای یک حیاط مدرسه و ۱۲ حجره در پیرامون آن است که به حجره‌های طلاب علوم دینی اختصاص دارد و بخش غربی آن شبستان مسجد است. دو ایوان شرقی و جنوبی دارد. دو گلدسته دارد که بر بالای ایوان شرقی تعبیه شده است. این ایوان در حیاط مدرسه قرار گرفته است. شبستان ستوندار آن ۲۴ ستون سنگی با طرح مارپیچ و سی و پنج گنبد بر روی ستون‌ها فضای شبستان مسجد - مدرسه را مسقف نموده است (شکل ۱ و تصاویر ۱ و ۲).

مسجد - مدرسه دارالاحسان شاخص‌ترین مسجد استان کردستان از نظر معماری و آرایه‌های وابسته به معماری است. در این بنا تزئینات آجرکاری معقلی و کاشی هفت رنگ مینایی استفاده شده است. ازاره‌های مرمرین آن به خط نستعلیق حاوی شعر فارسی است. آب‌نما و فواره‌های سنگی همچنین ستون‌هایی با تزئینات طنابی دارد (زارعی، ۱۳۸۵: ۱۲-۴). از عمده آرایه‌های بنا، نگارش بخش عمده‌ای از سوره‌های قرآنی و اشعار فارسی و عربی در قسمت‌های مختلف مسجد است. چنانکه دو ثلث قرآن مجید در این بنا نگارش شده است (سنندجی، ۱۳۶۶: ۱۵).

اشعار فارسی و عربی استفاده شده در این بنا به لحاظ مواد تاریخ دارای اهمیت است و شاعران بزرگی هم در سرودن آن نقش داشته‌اند. این مسجد - مدرسه در گذشته یکی از مهم‌ترین دارالعلم‌های دینی منطقه کردستان بوده و بسیاری از علما در این

میانی دوره اسلامی به بعد اشعار فارسی به عنوان بخشی از کتیبه‌ها با شرح و تفصیل بیشتر مورد توجه قرار گرفت. شاید اوج استفاده از این کار از دوره صفوی و پس از آن در دوره قاجار است. یکی از مساجدی که علاوه بر استفاده از آیات قرآنی در آن بهره‌گیری از شعر با مضمون ماده تاریخ در سطح گسترده‌ای انجام شده مسجد - مدرسه دارالاحسان است. شاعران محلی و پایتخت‌نشین در این زمینه رقابتی قابل توجه داشتند که این امر منجر به سرودن اشعاری با صنعت شعری در خور توجه گردیده است. بنابر این پرداختن به این اشعار که عمدتاً در قالب قصیده‌های مدحی بلند و کوتاه است ضروری می‌نمود. لذا علاوه بر معرفی این اشعار و شناخت دقیق و جامع‌تر مسجد و کارکرد آن، می‌توان به بررسی وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهر سنندج پرداخت و ارتباط حاکمان محلی با پایتخت و تاثیرپذیری از رخدادهای مرکز حکومت را دریافت نمود.

پرسش‌هایی که می‌توان در این تحقیق مطرح نمود؛ نخست این است که هدف سازنده در قرار دادن کتیبه‌هایی در قالب شعر چه بوده است؟ پرسش دوم، دستیابی به بخشی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی این بخش از کشور و تاثیرپذیری از ساختار دیوانی - اداری حکومت مرکزی امکان پذیر است؟ فرضیه نخست این است که به نظر می‌رسد هدف بانی علاوه بر نشان اقتدار خویش، برقراری ارتباط با مخاطبان و مراجعان به این مکان بوده است. علاوه بر این، در این اشعار که در قالب قصاید مدحی هستند به زمان آغاز و پایان کار مسجد، سفارش دهنده و حامیان آن نیز اشاره شده است. پاسخ به پرسش دوم که در قالب فرضیه دوم مطرح است، به نظر می‌رسد که در این شیوه تاثیر ساختار دیوانسالاری اداری، فرهنگی و اجتماعی پایتخت در اشعار فارسی و ساختار مسجد - مدرسه دارالاحسان قابل درک است.

اگر چه در برخی از کتب و نوشته‌ها به این مسجد و برخی از کتیبه‌ها صرفاً به دو قصیده یکی از ناطق اصفهانی و دیگری از خرم کردستانی اشاره شده، اما در بررسی‌های نگارنده قصاید دیگری از شاعران بومی هم شناسایی و خوانده شدند. این پژوهش حاصل کار میدانی نگارنده است. در نتیجه در این کار میدانی کتیبه‌ها به دقت خوانده شده و اشعاری از خرم کردستانی

یکی دیگر از سرایندگان با ذوق این سروده‌ها میرزافتح‌الله کردستانی متخلص به «خرم» قصایدی متعددی برای یاد و تاریخ این مسجد - مدرسه گفته است. «میرزا فتح‌الله خلف میرزا عبدالله وزیر ولایت اردلان بود و در زمان لطفعلی‌خان والی و آغاز جهان‌ستانی آقامحمد شاه به دربار پادشاهی آمد و در خور پایه خویش منصبی جلیل یافت. پس از چندی که لطفعلی‌خان زند بر شیراز مسلط شد دعوی مملکت ستانی داشت. وی به طمع مال و جاه به لطفعلی‌خان پیوست و او را به محاربه آقا محمدخان ترغیب کرد. اما خان زند شکست خورد و میرزا فتح‌الله هم با اینکه در شاهچراغ متحصن شده بود به حکم خاقانی او را به دربار آوردند و از دو چشم نابینایش کردند و پس از این واقعه سی سال بزیست و در سال ۱۲۳۹ ه. ق. بمرد» (دهخدا، ۱۳۸۶). او پیش از مرگش به دستگاه حکومت خاندان اردلان در سنندج شهر زادگاهش راه یافت و توانست توجه والی را به خود جلب نماید و قصاید زیبایی را به لحاظ صنعت ماده تاریخ برای بناهای سفارش والی بسراید. ولی نکته حائز اهمیت این است که به اعتقاد برخی مورخین امان‌الله خان والی، برای طراحی و ساخت این مسجد و بسیاری بناهای دیگر هنرمندانی را از اصفهان تحت عنوان معمار، مهندس، کاشی‌کار، حجار و نجار به سنندج دعوت نموده بود و حتی شاعر را هم از اصفهان خواسته است. پس از آن که بنای مسجد به اتمام می‌رسد، قصیده‌ای که از ناطق اصفهانی در بالا پدان اشاره گردید، میرزافتح‌الله خرم کردستانی هم در عداد تماشاچیان، برای قصیده‌ی ناطق حضور داشته پس از مراجعت قصیده‌ای را تنظیم و برای والی ارسال می‌نماید، والی نیز قصیده خرم را به ناطق اصفهانی می‌دهد که ناطق هم با خواندن شعر خرم از والی درخواست می‌نماید که شعر خرم را بر در و دیوار مسجد قرار دهند و این اتفاق نیز رخ می‌دهد. بنابراین، قصیده بلند خرم در ایوان شرقی دور تا دور سنگ ازاره مرمری به صورت کنده در میان کادری تزئینی قرار داده شده و اکنون زینت بخش ایوان مسجد رو به حیاط مدرسه است (مردوخ، ۱۳۷۹: ۲۸۴-۲۸۳). ظاهراً میرزا فتح‌الله خرم از آن پس مورد توجه والی قرار گرفته اشعار خوب دیگری نیز در باره آغاز و پایان ساختمان‌هایی در عهد امان‌الله خان والی (همزمان با فتحعلی شاه قاجار) گفته است.

دارالعلم به کسب علوم مختلف پرداخته‌اند. در این مسجد اشعار در قالب قصیده‌های بلند و کوتاه بکار برده شده که با زیباترین خط ایرانی، یعنی نستعلیق بر زمینه کاشی، روی سنگ‌های مرممر ازاره به صورت برجسته و کنده‌کاری نوشته و حجاری شده است.

مواد تاریخ و شاعران اشعار

در معماری ایرانی برای ثبت تاریخ آغاز و انجام ساختمان‌های مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها، پل‌ها و غیره از ادبیات منظوم مدد جسته‌اند. بدین روش با ثبت نام و نشان بانی و موسس یا ساعی، معمار و هنرمند ذکر دقیق تاریخ آغاز و انجام بنا در قصیده یا قطعه‌ای مناسب تعامل مستقیم معماری ایرانی و شعر فارسی را در طول تاریخ به ثبت رسانده است. در مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج این موضوع با همان روش که در معماری ایرانی معمول بوده، انجام گرفته است. در دوره قاجار و به ویژه حاکمیت خاندان اردلان (امان‌الله خان والی) در ایالت کردستان، در اتمام و تکمیل آثار معماری از شعر به عنوان مواد تاریخ استفاده شایانی شده است.

یکی از شاعرانی که در این زمینه سروده‌های قابل توجهی دارد، میرزاصادق ناطق اصفهانی از شاعران قرن سیزدهم ه. ق. است. او در تاریخ گویی و عدد جویی قدرتی عجیب داشته و در این فن گوی سبقت از دیگران ربوده است. «چنانکه عدد ابجدی هریک از مصراع از اکثر قصایدش ماده تاریخ سال یکی از وقایع بودی و در تاریخ چندین قصیده زیبا به همین اسلوب تمام نمودی، منجمله قصیده‌ای در تاریخ اتمام تذهیب ایوان و گنبد مطهر حضرت معصومه که به سال هزار و دویست و هیجده ه. ق. به فرمان فتحعلی شاه قاجار به وقوع پیوسته در قم انشاء کرده است» (دهخدا، ۱۳۸۶: جلد ۱۴). میرزا صادق ناطق اصفهانی یک دهه بعد تاریخ بناهایی را از جمله مسجد - مدرسه دارالاحسان در کردستان به دستور امان‌الله خان را به نظم درآورده است که از نظر صنعت شعری قابل توجه و به لحاظ ذکر و ثبت زمان تکمیل و اتمام ابنیه اهمیت داشته است. ناطق قصیده‌ای بلند برای تکمیل و اتمام مسجد - مدرسه دارالاحسان گفته که تمام مصراع‌های آن تاریخ اتمام بنا را به دست می‌دهد (مردوخ، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

قصیده‌های ناطق اصفهانی

ناطق اصفهانی علاوه بر سرودن قصیده‌های این بنا، قصیده‌ای هم برای حمای در سنندج به نام حمام خان سروده است (زارعی، ۱۳۹۱: ۷۶). یکی از این قصیده‌ها، قصیده‌ای است که بر سنگ مرمر در آزاره ایوان جنوبی مسجد به خط نستعلیق و در سه طرف ایوان از سمت راست آغاز و در سمت چپ پایان می‌پذیرد، حجاری شده که متن آن به شرح ذیل است (تصاویر ۳ تا ۶).

آن که شد زالطاف او هر عالمی دارای علم
دید اوج و رونق و قرب افسر والای علم
کز کلید لطف وی بگشوده شد درهای علم
آن که در کنز دول آمد در یکتای علم
می‌کند پیوسته اهل فهم را اقوای علم
آن که روی‌اش از صفا آمد جهان آرای علم
جلوه کرد از افسر او تارک والای علم
شد بلند آوا از او شرع بلند آوای علم
کرد طبع عالم وی، در جهان افشای علم
وز کف درپاش وجودش می‌کند احیای علم
باشد اهل علم را کلی به سر سودای علم
منشیان با جان و دل می‌کنند انشای علم
آمده هرچشمه جاری چویک دریای علم
مسجدی و مدرسی، آن‌جای شکر، آن‌جای علم
مسجدی با زیب‌تر از مسجد الاقصای علم
شد بنا بنیاد دین، با جنت الاعلای علم
آمده هر قطره از آن یک در دریای علم
مسجدی چون سینه اصحاب سیرت جای علم
رب عرفان واله و شیدای علم
جمله چون مجنون فکرت، دایه لیلای علم
این بود صنعان وجد و آن بود ترسای علم
از هوای زیب و داب جلوه عذرای علم
مدرس است این یا محل سعد، یا بیدای علم
جای احسان، جای فرقان، جای طاعت، جای علم
در سر هم یک به یک جزوی است از اجزای علم
کسوتی ز احسان او آورد بر بالای علم

در هر یک از قصایدی که در این مسجد - مدرسه استفاده گردیده، به ماده تاریخ توجه خاصی شده و نکته مهم در این قصاید پرهیز سرایندگان اشعار از تقلید از اشعار یکدیگر است. نکته مهم‌تر تأکید و توجه بر توصیف و اهمیت دادن به ساختمان و آرایه‌های این ساختمان است.

حبذا دارای جم‌گاه سلیمان جایگاه
صاحب اکلیل جم فتحعلی شه آن که زو
در مبارک عهد آن دارای اسکندر نوال
زیور دیباچه معنی امان‌اله خان
زیده اولاد خسرو، آن که زالطاف و کمال
آن که طبع‌اش در عطا آمد فرح افزای جان
پایه دین از گوهر او مدرس آیین شرع
شد فرح افزا از او، طبع فرح افزای دین
کرد دست معطی وی، در جهان اقوای جود
از لب جان بخش حسن او کند ایجاد جود
چون که در بازار علم آمد ز وی قدر و رواج
از پی اوصاف او با هم به دیوان قضا
ز ابر لطف عام وی اندر سنندج چشمها
در سنندج مسجدی گردید از سعی‌اش بنا
مسجدی با اصل‌تر از مسجد الاسلام حق
آن که سقف عالی و ایوان او را دید گفت
آب صاف دل کش نیکوش از حسن و صفا
مسجدی چون دیده ارباب فکرت جای حق
جمع در هر گوشه و هر زاویه ز اهل کمال
عاقلان مدرک اندر حجره‌ها در زهد و وجد
کودک و شیخی که آموزد از او علم و ادب
اندین مدرس شده واله، چو وامق، اهل نحو
با مدرس درس گویان درس یابان در جدل
جای ایمان جای عرفان، جای حکمت، جای عقل
سنگ نبود این که بر هم چیده او را اوستاد
دارالاحسان‌اش مسما شد که بنای ازل

جلوه گرآمد به جوش از بحر گوهرزای علم
این مصارع کآمده از عین عقل و رای علم
دارالاحسان شد بنا و شد به جا مأوای علم
عقل عادل در دل آرا، چهره حسناى علم
جای حمد و جای مدح و جای {...} جای علم (۱۲۲۷)

کند. دوم روابط فرهنگی منطقه کردستان را با مرکز حکومت در تهران تعمیق بخشید، سوم بی‌نیاز از بیگانگانی باشد که برای مدت چند سال بر شهر سنندج حکومت کرده بودند. مسجد - مدرسه‌ای که عثمانی‌ها در زمان تسخیر سنندج ساخته بودند و برای یکصد سال فعال بود (شریف قاضی، ۱۳۷۹: ۴۴). امان‌الله خان پیش از ساخت این بنا آن‌را تخریب نمود، زیرا آن بنا را از آثار بیگانه می‌دانست و به جای آن باغ بزرگی ساخت (وقایع نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۱۰۴). محل مسجد هم به نقطه دیگری انتقال یافت. به همین دلیل به نظر می‌رسد که والی مورد حمایت شاه هم بوده است. زیرا ناطق از شاعران سخنور در زمینه قصیده سرایی با ماده تاریخ دربار شاه بوده است. ناطق علاوه بر قصیده فوق، قصیده دیگری هر چند کوتاه برای ساخت مسجد و گلدسته‌های آن سروده که به شرح ذیل است (تصویر ۷):

بسم الله الرحمن الرحيم
«هو الله الموفق علی الاحتشام»

امان‌الله خان آن والی بی‌مثل و بی‌ثانی
هنرمندی که باشد مصدر اعطاف ربانی
کند از بهر قصرش چار ارکان چار ارکانی
که جز در زلف خوبان نیست آثار پریشانی
چه مسجد کز فلک آمد ملک در آن بدربانی
رسد تا بر فلک از وی صلاى حمد یزدانی
دلا بشنو از این گلدسته آواز مسلمانی
الوالی العالی امان‌الله خان

سنه ۱۲۲۶

با تکلف از پی سال بنا این چند بیت
بهر سال این بنا هستند یک در، یک گواه
زد رقم (ناطق) به سال این بنا، با فکر و عقل
تا کند مشاطگی از حسن و از حسناى عدل
باد دایم دارالاحسان امان‌الله خان

در این قصیده علاوه بر توصیف مسجد، از نحوه ساخت و ساز آن و همچنین کارهای متفاوت بنا ذکر شده است. هم مفاهیم اشعار و نیز شواهد و مدارک موجود حکایت‌گر این موضوع است که این مسجد یکی از مراکز مهم علمی و دینی منطقه کردستان بوده است. ظاهراً تا پیش از ساخت مسجد - مدرسه دارالاحسان طلبه‌های علوم دینی اهل سنت برای تکمیل دانش دینی و علمی خود راهی شهرهای تحت سیطره دولت عثمانی می‌شدند. چون علوم مقدماتی در مدارس و مساجد شهرهای استان آموزش داده می‌شد، در مساجد شهر اتاق‌هایی جهت این آموزش‌ها در نظر گرفته بودند، که به «اتاق فقیه» معروف هستند.

امان‌الله خان والی کردستان با ساخت این مدرسه سه هدف عمده داشته نخست مرکز علمی تحصیلات عالی علوم دینی دایر

گل گلزار سبحان دوستان چه خسرو خان
ظفرمندی که باشد مظهر الطاف لاریبی
کند از بهر قدرش هفت گردون هفت اورنگی
بدور او جهان را شد چنان جمعیتی حاصل
بنای مسجدی بنهاد بهر ساجدین حق
در آن مانند گل بنیاد شد گلدسته زیبا
چو شد گلدسته بر پا گفت ناطق بهر تاریخش
اللهم زدو بدوله بانیه

قصیده‌های خرم کردستانی

سه بیت برای یاد و تاریخ این مسجد - مدرسه گفته است که تمام ایات آن در مصراع‌های اول تاریخ آغاز و در مصراع‌های دوم،

در کنار اشعار ناطق اصفهانی یکی از شعرای با ذوق کردستانی بنام میرزا فتح‌اله کردستانی متخلص به «خرم» قطعه‌ای در سی و

صنعت شعری وجود دارد که نیاز به بحثی جداگانه توسط پژوهشگران عرصه ادب فارسی دارد. این قصیده به طور کامل به شرح ذیل است (تصاویر ۸ تا ۱۱):

این همایون سرزمین، بس به ز فردوس برین
آن که باشد فر یزدانیش طالع از جبین
وان که داد از عقل و عرفان، رونق دین مبین
آن که باشد در کتو علم از رای زرین
زیب‌دار کیوان نامی را کشد از روی زین
گاه کین از بازوی وی پیکر شیرین عرین
بازوی ارشاد او دین پیمبر را معین
در دری دیگر وهاب گوهر آفرین
امت سبحان ملکت او را بود حصن حصین
جیب هر سائل پراز زیبا لوالی ثمین
از پریشانی جعد مهوشان نازنین
از صفاجویی بود جناب پر از حور عین
زیور دنیا و فر ملت و ابقای دین
ماه و مهر و زهره و برجیس بودی همقرین
مسجدی و مدرسی در این ملطف سرزمین
وه چه مدرس کاشف احکام رب العالمین
در وی ار قطب فلک ازل شود منزل گزین
کز علو وز قدر باشد آسمانی بر زمین
بر زمین صحن وی شام و سحر ساید جبین
هم اساس او چو والا نیت والی مثنین
زید از نیکویی افشانند به افلاک آستین
قبله ارباب بر و دانش و علم و یقین
از برای طوف او آیند از عرش برین
به بسی از سلسبیل و کوثر و ماء معین
کاین سپهر گیتی افروزی بود از ماء و طین
داراحسان نام کردش والی اعلا ننگین
از عطای بی کران والی دولت قرین
کعبه صدق است این یا مسجد الاقصای دین
هر یک از این مصرع دل کش گواهان گزین

تاریخ اتمام بنا را به دست می‌دهد (مردوخ، ۱۳۷۹: ۲۸۴). میرزا فتح‌الله خرم اشعار خوب دیگری نیز در باره آغاز و پایان ساختمان‌هایی در عهد امان‌الله خان والی گفته است. در قصیده خرم نکات قابل توجهی در وجه تسمیه دارالاحسان و همچنین

منت ایزد را ز عدل والی ایام شد
شاهباز اوج عز و جاه امان‌اله خان
آن که کرد از لطف و احسان زنده نام سروران
آن که باشد شمع بزم عفو از طبع سلیم
آن گو بهرام بازویی که در هفت آسمان
وان هژبر ارسلان بی‌می که لرزد بی درنگ
در جهان نامی ز کفر و دین نبود، آن دم که شد
در بحار فهم همچون گوهر او نافرید
یمن یزدان کشور او را بود محکم قلاع
گرد دامان گهر ریزش که الطاف وجود
یاد ندهد عقل در دوران عیش انگیز وی
ملک او کایمن ابد از انقلاب چرخ باد
بود چون رای جهان آرای اش از فر و عطا
در همایون طالع سعد موید کز شرف
کرد از عون و عنایت‌های ربانی بنا
وه چه مسجد منهج اعطای فیض ایزدی
آسمان فر معبد دل جو که زید از شرف
حبذا از این صفاجو مسجد والا اساس
رجبا زین عرش سا ایوان والا کآسمان
همجوار او چو اعلا همت شاهی بلند
دل نشین صحن و همایون طاق گردون سان وی
چون حرم محراب عالی دل آرای اش بود
هر زمان با صد ادا جوق ملک شام و سحر
روح پرور آب پاک صاف نیکوی اش بود
وهم چون والا بنا کریاس وی را دید و گفت
بهر احسان چون بنا شد این مقام از عون حق
مدعا چون شد تمام این معبد والا بنا
هاتفی گفتا پی سال ابد بنیان او
شد ز بهر سال بنیاد و پی اتمام آن

بر علو همت و اعطای والی آفرین
امن ز آشوب زمین و دور دهر پر ز کین
جرگه کروبیان در مسجد گردون مکین
مجمع طاعات و احسان منهج صدق و یقین

باد خرم از عطا و لطف یزدانی مدام
دولت و جاهش بود از لطف و جود سرمدی
تا بود از بهر تحمید و دود لم یزل
دار احسان امان‌الله خان بادا مدام

امر و مباشرت امان‌الله‌خان والی کردستان در سندج ساخته شد، فتحعلی‌خان قصیده مفصلی سروده است (نخجوانی، ۱۳۶۶: ۳۶-۵۳۵). حتی دو بیت از قصیده را هم به شرح ذیل ذکر نموده است:

به قصیده‌ای از فتحعلی‌خان صبا هم در مسجد - مدرسه دارالاحسان اشاره شده، ولیکن در بررسی‌های نگارنده این کتیبه شعر فارسی یافت نشد. صاحب کتاب موادالتواریخ نوشته است که در تاریخ بنای مدرسه - مسجدی که در زمان فتحعلی شاه به

که نازندش بدریانی بدر اسکندر و دارا.

نظام‌الملک والملة قوام‌الدین و الدنيا (نخجوانی، ۱۳۶۶: ۵۳۶).

تعالی‌الله‌شهنشاهی جهاننداری و ملک آرا
ابوالنصر و ظفر شه خسرو غازی

ساخت بنا دارد. هر چند که در حین مرمت‌های قبلی تغییراتی در آن ایجاد شده است ولی دارای ارزش هنری و تاریخی است. کتیبه‌ای به خط نستعلیق در باره خرابی تعمیرات سنوات چند دهه اخیر در مرکز کاشیکاری‌های حاوی این اشعار نصب شده است. این قصیده مربوط به زمان امان‌الله خان است. نکات قابل توجهی درباره زمان ساخت بنای مسجد و صفات بانی و حامی را دارد. قصیده به شرح ذیل است (تصاویر ۱۲ تا ۱۵):

شاید این قصیده را برای بنای دیگر در شهر سندج گفته باشد. چون در بنای یاد شده اثری از این قصیده به نظر نگارنده نرسید. بنابراین، به نظر می‌رسد که نخجوانی دچار خطا شده است. خرم کردستانی قصیده‌ای دیگر که بر روی سینه اسپر و در کادر مثلثی شکل ایوان شرقی به خط نستعلیق بر زمینه کاشی نوشته شده، سروده است. این قصیده علاوه بر اینکه از نظر شعری دارای صناعات مختلف است، نکات ارزشمندی در باره

بسم الله الرحمن الرحيم

خطه ایران زمین شد چون گلستان جنان
تاج شاهی از همایون فرق او بر فرق‌دان
سرنگون در کاخ شاهی شهریاران جهان
بهمن و قآن و کاووس کی و الب ارسلان
جرعه نوش [راغ] عدل وی بود نوشیروان
اژدهای رنج جانسوزش کشد {...}
در اوان بذل آن خاقان قیصر پاسبان
نخل باغ خسروی شاهین اوج عصر {...}
کز عطای وی تهی شد دامن دما و کان
لرزه از بازوی وی بر هیکل پیل دمان
عقل کل اندر دبستان کمالش درس خوان
رشحی از دریای فیض وی بحار بیکران

حمد یزدان کز کمال عدل خاقان جهان
ظل حق فتحعلی شه آنکه در آفاق سود
و آن شاهنشاهی که در دوران عدل او می‌شدند
و آن چنان شخصی که دربان درش را چاکرند
ریزه چین از خوان بذل وی بود صد همچون معین
فوج فوج اعلائی دین را جان ستاند گاه کین
شهریار عدل و دادگر فخر شهان
لعل کان فیروزی نقش نگین داودی
والی والائزاد امان‌اله خان آن کان جود
آن تهمتن صولتی کاندر زبان کین فتد
و آن جهان عقل و دانش کز کمال فضل شد
نوری از بیضای رای وی شمس مشیر

مخزن افضال و احسان آن امن و امان
بانی این مسجد و مدرس دین فرخ مکان
مدرسی کافضال بانی از وی عیان
مدرسی کان هست جای معنی و نطق و بیان
مدرسی عرش برین کاو راست فرش آستان
کز بلندی باشدش بس برتری بر آسمان
چشمه‌های خون ز چشم چشمه حیران روان
خیل خیل آیند از عرش پرس کروبیان
طرفه قندیل بلور این هفت چرخ درخشان
بهر احسان شد بنای این مکان خلدسان
گفت خرم پنج مصرع از پی تاریخ آن
فر ایزد باشد از این مسجد و مدرس بیان

۱۲۲۶

باد دایم دارالاحسان امان‌اله خان

۱۲۲۷

گشت این مسجد بنا از لطف حی لامکان

۱۲۲۸

شد بنای این رواق از والی والانشان

۱۲۲۹

باد این ماوی محل فیض یزدان جاودان

۱۲۳۰

تا بدورانست اسم از دودمان خسروان
مفتخر اهل جهان باد این همایون دودمان

چون حق جویی بود رای جهان آرای او
با هزاران سعی شد ارغون بینایان حق
مسجدی کاعطای یزدانی کند در وی نزول
مسجدی کان هست جای تقوی و ورع و صلاح
مسجدی روح‌الامین کاو راست دربان کمین
لوحش اله زین سپهر امین اساس و دلنشین
باشد از رشک روان آب زلال حوض وی
از برای آستان بوسش پیاپی بر زمین
در مقرنس طاق عرش امین ولایش بود
زان همایون نام کسمش داراحسان کز ازل
الغرض چون این اسامی ارغون یزدان شد تمام
مصرع اول دهد از سال بنیادش خبر

مصرع ثانی است تاریخ سال از بنا

از سیوم مصرع سیوم سال بنای آن بجو

چهارمین مصرع بود تاریخ سال چهارمین

پنجمین مصرع نشان سال اتمامش بود

تا در آفاق است نام از خاندان‌های کهن

مرجع خلق زمین باد این معلی سلسله

در این قصیده مدت زمان ساخت مسجد پنج سال ذکر شده است، چرا که در یکی از ابیات تاریخ ۱۲۲۶ قمری برای آغاز ساختمان مسجد اشاره شده است. در اینجا تناقضی با تاریخ آغاز ساختمان مسجد - مدرسه که در شعر ناطق سال ۱۲۲۷ قمری است قابل مشاهده است. از سوی دیگر اینکه در شعر ناطق سال اتمام بنا را ۱۲۲۸ هـ.ق ذکر نموده است، در حالیکه در قصیده ناطق به پنج سال زمان برای احداث بنا اشاره شده است. به طوریکه به پنج مصراع فوق که از سال‌های شروع و پایان کار ساختمانی مسجد تا سال ۱۲۳۰ هـ.ق اشاره دارد. در اینجا لازم است به این مسأله هم توجه شود که ناطق در قصیده دیگری که بر روی یکی از

گلدسته‌های مسجد است تاریخ آغاز زمان ساخت و ساز را سال ۱۲۲۶ قمری بیان نموده است. علت اینکه اختلاف در زمان آغاز و انجام کار در بنا دیده می‌شود، چه بوده؟ به طور دقیق مشخص نیست. شاید ناشی از دو عامل باشد. نخست احتمالاً اشتباهی سهوی از سوی شاعر بوده که بعید به نظر می‌رسد. دوم اینکه این موضوع از سوی سازنده بیان گردیده که قصدش به رخ کشیدن قدرت شاه در مرحله نخست و نشان اقتدار والی در ساخت بنایی با بزرگی و عظمت طی دو سال بوده است.

نکته‌ای که شاید اندکی مبهم است، مسأله عدم انسجام کامل در نقشه بناست، شاید هر یک از بخش‌های مسجد - مدرسه در

توجه این است که این قصیده هم مربوط به خرم کردستانی است. چون به نظر می‌رسد که او حضور طولانی‌تری در دستگاه اداری خاندان اردلان در سنندج داشته است. در این قصیده خرم نهایت هنرمندی به خرج داده و هم به وجه تسمیه بنا و زمان ساخت مسجد - مدرسه اشاره نموده است. او این بیت را برای وجه تسمیه مسجد - مدرسه اینچنین آورده است:

بهر احسان شد بنای مکان خلدسان

نکات قابل توجهی درباره ساخت و تعمیر و نام هنرمندان مشخص می‌شود. یکی از قصیده‌های کوتاه که ماده تاریخ دارد به شرح ذیل و متعلق به میرزافتح‌الله خرم کردستانی است (تصویر ۱۶):

آنکه ابواب صفا بر رخ آفاق گشود
و آنکه انوار تجلی شود از وی مشهود
ساکنان ملا عرض فرستندش درود
منبع علم و عمل، شرف و معدن وجود
طرفه قنديل بلوری که بود زرانود
پست تا خاک عدم کز شود این طاق کبود
هر کسی از سر اخلاص در آن برد سجود
جاودان نام بود تا ز دوام و از خلود
یافت اتمام بتوفیق خداوند ودود
حق در این ملک در کعبه اقبال گشود

مدخل ورودی مسجد - مدرسه از سمت خیابان نصب گردیده است (تصویر ۱۸):

بانی اساس دین امان الله خان
درجه او نور سعادت تابان
بحریست لبالب همه حکم و فرمان
صحرای جلال او بود بی پایان

فاصله زمان خاصی احداث شده باشد. این کتیبه بسیار حائز اهمیت است چرا که مسجد با این شکوه قطعاً در دو سال به اتمام نمی‌رسد و حداقل بیش از پنج سال زمان لازم داشته تا تکمیل گردد. چون آنچه که در مسجد اتفاق افتاده آرایه‌های تزیینی است که در سطوح دیوارها و سرستون‌های آن انجام گرفته است. ضمناً در تاریخ کتیبه‌های سرستون‌ها که تماماً آیات قرآنی هستند تاریخ سال‌های ۱۲۳۱ و ۱۲۳۲ ثبت شده است. نکته قابل

ز آن همایون نام کسمش داراحسان کز ازل

اشعار دیگری در این بنا مورد استفاده قرار گرفته که بیشتر مرتبط با زمان ساخت و تعمیرات آن است. بویژه ایاتی که در هشتی مدخل ورودی و ایوان رو به حیاط مدخل ورودی به خط نستعلیق بر زمینه کاشی آبی نوشته شده است. از این ایات هم

حبذا مسجد والای امان‌الله خان
آنکه الطاف الهی بود از وی ماهر
آنکه در معبد افلاک با وجد و کیان
شد حی از مدرسه والی عهد آنکه بود
آنکه چرخ بکریاس سپهر امیالش
سزد از رفعت دربار بلند آثارش
یا رب از غفو غنیمت بگردد از جرمش
یا رب این ابنیه خیر مخلد بادا
غرض این در گه والا چو ز سعی والی
هاتفی گفت به خرم ز پی تاریخش

هنرمندی خرم صرفاً با کتیبه‌های فوق‌الاشاره نیست، بلکه قصیده دیگری در باره مسجد - مدرسه، گلدسته و بانی به شرح ذیل دارد که به خط نستعلیق بر روی سنگ مرمر بر سینه اسپر

والا گهر تیمن در بحر یقین
آن والی عادل که از فر {ش}
گویست سراسر همه فر و فرهنگ
دریای نوال او بود بی ساحل

پیوسته به حکم او سبک خواب گران
 [درد] گر مقدمش کشانید زبان
 تا باشد از و چون نام نیکو به جهان
 کز همت اوست همین امن و امان
 گر قدر و شرف حرم بود رکنی از آن
 مدرس نه ارم را به نظافت همشان
 مدرس نه جنانست ولیکن به جهان
 ایوانچه این رشک ریاض رضوان
 در این بلد دلکش فرخنده نشان
 این مسجد و این مدرس فرخ بنیان
 شد مسجد و مدرس امان الله خان

از بهر نیایش الهی باشد
 بر عرش گرو قدسیان شام و سحر
 از رای نکو خواست نکو آثاری
 در ملک سندج و آن همایون کشور
 افکند آسایش مسجد و مدرسه
 مسجد نه حرم را بشرافت همسر
 مسجد نه سپهریست ولیکن به زمین
 گلدسته آن غیرت گلزار ارم
 القصه ز عون ایزد لم یزلی
 برپا چو از فر امان اللهی
 خرم به بدیهه گفت تاریخش نیز

قصیده‌های فرهی و جوهری

میرزا شکرالله فخرالکتاب فخری متخلص و پدر استاد عبدالحمید
 بدیع‌الزمانی متخلص به «مهی» است (حیرت سجادی، ۱۳۷۵:
 ۶۹۷).

این مرمت در زمان حاکمیت سردار انتصار انجام شده و در
 ارتباط با مرمت‌های انجام شده در مسجد حائز اهمیت است.
 کتیبه از جهت دیگری هم اهمیت دارد. نام استاد حبیب‌الله مراد
 اقلیدس معمار که عنوان معمارباشی را دارد. نکته مهمی که در
 این قصیده وجود دارد این است که شاعر فرهی از ناطق
 اصفهانی در مصراع پایانی یاد نموده که بیان ماده تاریخ در این
 قصیده همچون کار ناطق بوده است (تصویر ۱۹):

اشعار مهم در باره ساخت و ساز و وصف مسجد - مدرسه در
 دوره قاجار مربوط به دو شاعر صاحب سبک در ماده تاریخ
 گویی ناطق اصفهانی و خرم کردستانی است. در اواخر دوره
 قاجار و اوایل دوره پهلوی اول نیز اشعاری توسط سه تن از
 شاعران به نام‌های فرهی، شکبیا و جوهری در هنگام مرمت برای
 این بنا سروده شده است که هر یک به موضوع ماده تاریخ و
 رخدادهای این بنا توجه نموده‌اند.

قصیده‌ای از شاعری به نام فرهی در حدود یکصد سال پیش
 که بر سنگ مرمر و بر روی گلدسته سمت راست مسجد نصب
 شده به شرح ذیل است که در باره مرمت این بخش از مسجد
 بوده است. عبدالمجید مجدالممالک متخلص به «فرهی» پسر

بسم الله الرحمن الرحيم

عمل استاد حبیب‌الله مراد اقلیدس معمار
 که بودش مهین والی امان‌اله خان بانی
 نهاد این فلک مسجد رفته رفته رو به ویرانی
 دل مجموع مسجد فتاد اندر پریشانی
 که از اخلاقش اخلاق نکو گردیده ارزانی
 ز نوگلدسته را کردند ز رشک دفتر مانی
 موذن عندلیب آسا کند بر وی خوش الحانی
 دلا بنیوش از این گلدسته گلبنگ مسلمانی

الحمد لك مخلص هو حی
 پس از صد سال و اندی این پرستشگاه فرخنده
 در ارکانش خلل اوفتاد از گردش دوران
 رخ گلدسته از خار حوادث شد خراشیده
 مظفرخان سردار انتصار آن پارسا والی
 بیاری تنی چند از مسلمانان روشندل
 نوین گلدسته‌ها شد بآیین نو و دل کش
 رقم زد فرهی مانند ناطق بهر تاریخش

(سنه ۱۳۴۴ قمری)

حاکم کردستان شهاب‌الدوله یاد شده و از استاد کاشی‌کار «حسن میناچی» مرمتگر کاشی‌ها یاد شده است. این کتیبه در سال ۱۳۱۴ شمسی که زمان تعمیر بخش‌هایی از مسجد بوده، به شرح ذیل نوشته شده است (تصویر ۲۰):

مجمع شرح متین، مطلع صدق و یقین
دار احسان دار ایمان دار ایقان دار دین
هذه جنات عدن فادخلوها خالدین
رو نهاد اندر خرابی تا در این عهد گزین
با مهین راس معارف آن شکیبای متین
با مهارت کرد تعمیرش به طرز بهترین
شهرضای پهلوی بر حکمران نیک بین
دارالاحسان از فتی پهلوی فر نوین

(۱۳۱۴)

که متأسفانه آن‌ها را اندود و محو نموده‌اند. محمد مردوخ کردستانی هم قطعه شعری در ارتباط با مرمت سال ۱۳۴۴ قمری که توسط استاد الله‌مراد اقلیدس و به دستور سردار مظفرخان انتصار گلدسته‌های مسجد مرمت شده است. این شعر در کتاب تاریخ مردوخز (۱۳۷۹: ۲۷۸) آمده است ولی چون در ارتباط با مرمت گلدسته‌هاست عیناً نقل می‌گردد:

دل مجموع ملت شد گرفتار پریشانی
رسید از بهر تعمیرش، ز تائیدات ربانی
اساس دارالاحسان یافت رونق، نوبت ثانی
که از رفعت همی ساینند، سر بر عرش رحمانی
به جای شه‌پر طاووس، روز و شب مگس رانی
موزن گشته سرگرم خوش الحانی
دلا بینوش زین گلدسته گلبانگ مسلمانی

(۱۳۴۳)

فرو ریخته و در بازار همه را فروختند. گلدسته‌های این مسجد که خراب شده بود در زمان حکومت آقای مظفرخان سردار انتصار حکمران با اقدامات ایشان و زحمات مولف (آیت‌الله مردوخ) و جمعی از اهل شهر مبلغی جمع‌آوری و گلدسته‌ها

قصیده بعدی که در داخل هشتی ورودی مسجد مدرسه قرار دارد، مربوط به مرمت کاشی‌کاری‌های بنا پس از گذشت یکصد و بیست و هفت سال بوده و این کار در دوره رضاشاه پهلوی انجام گرفته است. در این قصیده از رئیس معارف به نام شکیبا و

جبذا از دارالاحسان جامع دین مبین
جای تقوی جای شرع و جای ورع و جای زهد
زیر ایوانش رسد هر لحظه از غیب این نوید
یکصد و بیست و هفت سال ایوان آن
شمس ملک آرا شهاب‌الدوله همت گماشت
پس مهین استاد کاشیکار میناچی حسن
امر بر تعمیر آن شد از شه‌نشا کبیر
جوهری تعمیر را تاریخ شمسی زد رقم

شاعر این اشعار جوهری است که یکی از شعرای اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی کردستان است. شادروان میرزا محمدخان جوهری، ملقب به سعید دیوان در سال ۱۲۹۹ قمری در شهر سنندج متولد شد و حدود هفتاد و پنج سال زندگی کرد (حیرت سجادی، ۱۳۷۵: ۲۰۴-۲۰۳).

البته بیت دیگری در ارتباط با تعمیر ایوان جنوبی مسجد دارالاحسان، مرمت کاشی‌ها در نمای ایوان جنوبی وجود داشته

چو شد بنیاد این مسجد، ز جور چرخ آشفته
مظفرخان سردار انتصار، آن مظهر رافت
ز یمن همت نیکان و اقدامات این والی
مثال سرو برجسته، بر این مسجد دو گلدسته
برای حفظ این مسجد، نمایند این دو گلدسته
بر این گلدسته‌ها بهر ندای مسلمین هر دم بلال آسا
بگفتا آیت‌اله از برای سال تاریخ اش

«مسجد در اثر بی‌توجهی و بی‌انصافانه عایدات موقوفه به مصرف هوسرانی و مخارج شخصی متولیان می‌رسد و به هیچ وجه مبالاتی به تعمیر مسجد و نظریات واقف و طلبه و مدرس ندارند و در و دیوار آن رو به خرابی می‌رود و تمام کاشیهای آن

مرمت شده است» (مردوخ، ۱۳۷۹: ۲۷۷).

تجزیه و تحلیل اشعار

مسجد - مدرسه دارالاحسان به خاطر اهمیتش در کردستان مکانی ویژه برای نصب شعر و هر نوع کتیبه دیگری مرتبط با امور دیوانی و اداری، سیاسی و اجتماعی و دینی بوده است. به همین دلیل سروده‌هایی از شعرا در این بنا با مضمون‌های متفاوت برای مناسبت‌های مختلف وجود دارد. این سروده‌ها هم عموماً دارای ماده تاریخ هستند.

این اشعار از سه جنبه قابل بررسی هستند؛ نخست این که در این اشعار توصیف‌های قابل توجهی در باره ساختمان مسجد - مدرسه، زمان ساخت، سازندگان، هنرمندان و شاعران وجود دارد که پیوند قابل توجهی میان شعر و معماری برقرار گردیده است. جنبه دوم اینکه شعر فارسی تا حدی زیادی جای برخی عباراتی که در تمجید و مدح حاکمان که در بناها به زبان عربی نگارش می‌شد را گرفته است و به‌ویژه اشعاری که در آن از صنعت شعری ماده تاریخ‌گویی به جای استفاده از واژگان عربی بهره برده شده است. سوم مفاهیم و مضمون سروده‌ها تا حدودی اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی مناطق مختلف ایران و به‌ویژه استان کردستان را بیان می‌کند. از این اشعار می‌توان دریافت شاهان قاجار به‌ویژه فتحعلی‌شاه برای توجیه حکومت خویش علاوه بر ساخت مساجدی تحت عنوان «سلطانی یا شاهی» (همچون مسجد شاه قزوین، مسجد شاه زنجان، مسجد شاه سمنان، مسجد شاه بروجرد و مسجد شاه تهران) از آیات قرآنی به عنوان کتیبه در بنا استفاده برده‌اند ولی در این مسجد دو سوم آیات قرآنی بنا به نوشته مورخین محلی (سنندجی، ۱۳۶۶: ۱۵) به صورت کتیبه آمده است (زارعی، ۱۳۸۵). بنابراین برای برقراری تعادل از یک سو و همچنین استفاده از شعر فارسی که برای توصیف بنا، مدح بانی و شاه مرسوم بود در این بنا به صورت گسترده‌تری پیگیری شده است.

این اشعار تا حدودی وضعیت اجتماعی ایران را نشان می‌دهد که مدیحه‌سرایی نه تنها در مرکز حکومت برای شاهان قاجار مرسوم بوده، بلکه در سایر نقاط ایران هم روالی معمول و مرسوم بوده است. در سنندج مرکز ایالت کردستان تحت حاکمیت

خانان اردلان نیز این عادت و روال معمول بوده است. هر چند که این مسجد - مدرسه بنایی با شکوه است، ولی مدح بانی و شاه در این دوره از تاریخ ایران بیانگر اوضاعی است که تملق و مدح و ثناگویی حاکمان به عادت‌های معمول تبدیل شده بود که در مکانی همچون مسجد جای ثناگویی پروردگار یکتا را گرفته بود. البته ذکر این نکته هم ضروری است که در این سروده‌ها در مدح و ستایش پروردگار هم بیت‌هایی وجود دارد.

ذکر این نکته هم ضروری است که مدح و تمجید فتحعلی‌شاه بنا به دستور والی که بانی بنا بوده صورت گرفته و این ناشی از روابط دوستانه میان شاه و والی است و ظاهراً این موضوع به زمانی باز می‌گردد که امان‌الله‌خان در دوران کودکی توسط آغامحمدخان قاجار که او را از خسروخان والی وقت کردستان به گروگان گرفته بود در دربار همبازی و همکلاس باباخان (فتحعلی شاه) بوده و با او بزرگ شده بود. امان‌الله‌خان در زمان حکمرانی خویش به پشتیبانی شاه پشتگرم بود (کردستانی، ۱۹۹۹: ۵). از این اشعار این موضوع هم قابل استنباط است که بانی مسجد - مدرسه هم در پی نمایش اقتدار خویش و نیز برقراری ارتباط با مخاطبین و مراجعین است، چرا که پس از احداث و ایجاد کتیبه‌های قرآنی و اشعار فارسی، این مرکز آموزشی به عنوان مرکز مهم آموزشی منطقه کردستان تبدیل گردید و در آن زبده‌ترین استادان تدریس می‌کردند. بنابراین اشعار کتیبه‌ها مورد توجه دانش‌آموزان و اساتید مشغول در این مرکز بوده و همان‌ها در انتقال پیام‌ها نقش‌آفرینی نموده‌اند. علاوه بر این، در این اشعار به زمان آغاز و پایان کار احداث این ساختمان تاکید گردیده است. از سویی این گونه مدح و تمجید از شاهان قاجار و به‌ویژه فتحعلی‌شاه در بیشتر نقاط کشور معمول و مرسوم بوده است. به نظر می‌رسد که این شیوه تاکید در مدح شاه قاجار در سراسر کشور با ایجاد نقش برجسته‌سازی‌های فتحعلی‌شاه مرتبط بوده است و از سویی نیز تمجید و تعریف از شخص والی برای توجیه حاکمیت امان‌الله‌خان اردلان به عنوان والی کردستان است که در همان مقطع رقابت سختی با خاندان وکیل در سنندج داشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد که با وجود کمبود امکانات ارتباطی بین بخش‌های مختلف کشور همانند امروز، پیوستگی فرهنگی در همه نقاط ایران برقرار بوده

است.

امان‌الله خان تاکید شده، ولی به نام فتحعلی‌شاه اشاره‌ای نشده است. این نوع کتیبه‌ها با این گونه عبارات و نوشته‌ها بیشتر متأثر از کارهای فتحعلی‌شاه قاجار است که در اکثر مساجد مورد استفاده قرار گرفته است. البته این کتیبه‌ها هم در مساجد و سایر بناها در دوره‌های مختلف تاریخ ایران بسیار مرسوم بوده است. اگر در کتیبه بالا ذکرى از نام شاه نرفته، ولی در اشعار فارسی به نام فتحعلی‌شاه اهمیت داده شده است. به نظر می‌رسد که در کتیبه‌نگاری چه در قالب شعر و چه به صورت آیات و توضیحات متأثر از سبک بناهای پایتخت و حکومتی اجرا شده است.

مسجد - مدرسه دارالاحسان در سنندج مکانی بوده که علاوه بر عرضه آثار هنری هنرمندان در معماری و تزئینات وابسته به آن از جمله خوشنویسی، حجاری و کاشی‌کاری، عرصه مناسبی برای شعرا و خوشنویسان نیز بوده است. این شیوه و سبک متأثر از سبک آثاری است که در بناهای مورد توجه شاهان قاجار ساخته شده است.

آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که ارتباط بسیار مناسبی در میان آثار هنری و معماری و ادبیات و بویژه شعر فارسی برقرار گردیده است. هرچند که بخش عمده‌ای از اشعار مورد بحث در مدح شاه قاجار و والی است، ولی نباید این نکته را نادیده گرفت، که این اشعار نقش بسیار مهمی در معرفی و کمک در جهت شناخت بهتر و کاملتر این بنا و سایر ساختمان‌های مشابه در این منطقه یا سایر نقاط ایران داشته است.

منابع

الف) فارسی

حیرت سجادی، سید عبدالحمید، ۱۳۷۵، شاعران کرد پارسی‌گوی، تهران: نشر احسان.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، لغت‌نامه، تهران: موسسه لغت‌نامه دانشگاه تهران.

زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۸۱، سیمای میراث فرهنگی استان کردستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

شیوه تأثیر ساختار دیوانسالاری اداری، فرهنگی و اجتماعی پایتخت در اشعار و ساختار مسجد - مدرسه به خوبی قابل درک است. در این مسجد استفاده از شعر فارسی در سطحی با این گستردگی در قالب کتیبه‌های مختلف به نسبت مساجد شاهی که در شهرهای دیگر ساخته شدند از اهمیت این بنا هم برای بانی و هم برای شاه قاجار حکایت می‌کند. سروده‌ها رقابت بین شاعران در دارالحکومه سنندج از یک سو و از سویی توجه به اجرای برنامه‌های بزرگ و توسعه معماری در سنندج را نشان می‌دهند.

همین اشعار به نوعی بیانگر این نکته است که در تمام طرح‌ها، ساخت و سازها و گسترش شهر سنندج علاوه بر تأثیر سبک معماری اصفهانی، سبک معماری پایتخت یعنی تهران هم به بخوبی مشهود است. این موضوع را هم باید خاطر نشان نمود که حضور شاعران در دستگاه حکمرانی والیان کردستان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد که اردلان‌ها تحت تأثیر مرکز حکومت در تهران کتابخانه خوبی را مهیا کرده باشند. این امر نشانه رونق دستگاه اداری آنها از سایر مراکز اداری دیگر نقاط ایران بوده است. کتب تاریخی، جغرافیای محلی، تذکره‌ها و دیوان‌های شعر به زبان فارسی توسط مورخین و ادیبان و شاعران محلی با حمایت والیان تهیه شده است.

برآیند

باید به این نکته هم توجه نمود که مسجد - مدرسه به جای بنایی ساخته شد که مهاجمین عثمانی در سنندج ساخته بودند. بنابراین بانی مسجد - مدرسه برای اهمیت دادن به این بنا آنچه که لازم بوده در زمینه شعر و حتی آیات قرآنی انجام داده است. این نکته قابل ذکر است که این بنا مهم‌ترین بنای آموزشی - عبادی استان کردستان بوده است. همین عامل موجب شده تا بانی و هنرمندان در استفاده از آیات قرآنی و به‌ویژه اشعار فارسی جدیت خاصی به خرج داده و این کار علاوه بر نوعی عبادت از نظر سیاسی و اجتماعی برای بانی نوعی پیروزی و موفقیت در رقابت‌ها بوده است. کتیبه‌ای از والی در مسجد قرار دارد که به زبان عربی است. هرچند که در این کتیبه به وجه تسمیه مسجد و بر القاب و سابقه خانوادگی بانی و سازنده مسجد - مدرسه یعنی

بررسی کتیبه‌های مسجد مدرسه دارالاحسان سنندج با تاکید بر نمونه‌های شعر فارسی

شریف قاضی، ملا محمد، ۱۳۷۹، *زبده‌التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان*، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران: انتشارات توکلی.
کردستانی، مستوره (ماه‌شرف خانم)، ۱۹۹۹، *عقاید*، تصحیح عبدالله مردوخ، استکلهم، سوئد.

مردخ، محمد، ۱۳۷۹، *تاریخ کرد و کردستان*، تهران: نشر کارنگ.

نخجوانی، حسین، ۱۳۶۶، *موادالتواریخ*، تهران: نشر ادبیه.

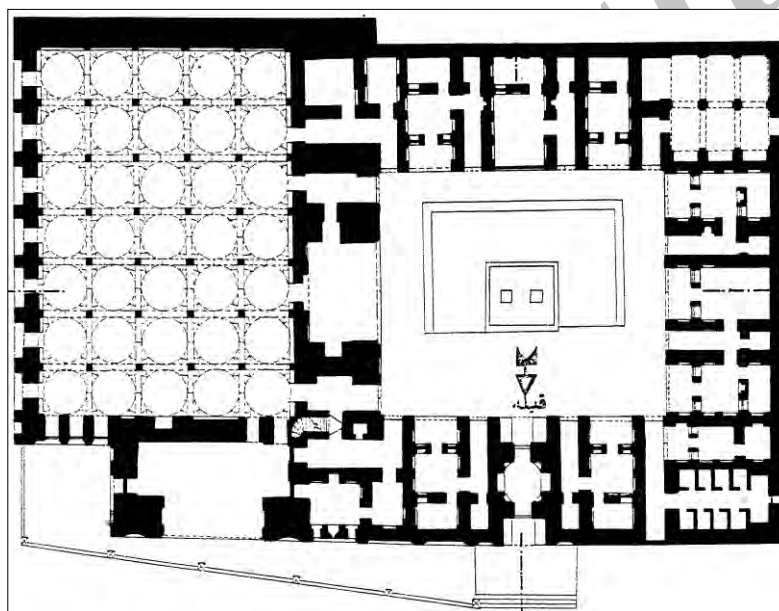
وقایع نگار کردستانی، میرزا علی اکبر، ۱۳۸۱، *حدیقه ناصریه و مرآت الظفر*، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران: انتشارات توکلی.

زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۸۵، *مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج*، سنندج: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان.

_____، ۱۳۹۱، *نگاهی به معماری و تاکید بر نقش‌پردازی در آرایه‌های حمام خان سنندج*، نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۷۳-۸۵.

سنندجی، میرزا شکراله، ۱۳۶۶، *تحفه ناصریه در تاریخ و جغرافیای کردستان*، به کوشش حشمت‌اله طیبی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

تصاویر



شکل ۱: نقشه مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (زارعی، ۱۳۸۵: ۲۶).



تصویر ۱: نمای ایوان شرقی در حیاط مدرسه (عکس از نگارنده، ۱۳۸۴).



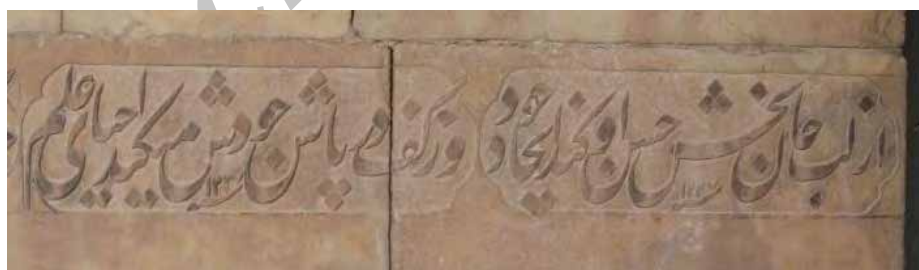
تصویر ۲: سرستون‌ها با آیات قرآنی در داخل شبستان مسجد (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۳: بیت آغازین شعر ناطق در ایوان جنوبی مسجد - مدرسه دارالاحسان (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۴: بیت دوم در مدح فتحعلی شاه شعر ناطق در ایوان جنوبی مسجد - مدرسه دارالاحسان (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۵: بیت دهم از شعر حجاری شده شعر ناطق در ایوان جنوبی (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۶: بیت پایانی کتیبه حجاری شده شعر ناطق در ایوان جنوبی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۷: کتیبه سنگ مرمر قصیده ناطق بر روی گلدسته مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



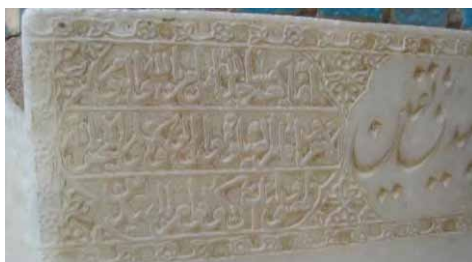
تصویر ۸: بیت آغازین کتیبه حجاری شده شعر خرم در ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۹: بیتی از شعر خرم که نام شاعر هم آمده در ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۱۰: بیت پایانی قصیده خرم کردستانی بر ازاره ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۵).



تصویر ۱۱: بخش پایانی از شعر خرم سنه‌ای و آیه قرآن بر سنگ مرمر در ایوان شرقی حجاری شده (عکس از نگارنده، ۱۳۸۸).



تصویر ۱۲: شعر خرم در سینه اسپر ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۶).



تصویر ۱۳: بخش فوقانی قصیده خرم در سینه اسپر ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۶).



تصویر ۱۴: نیمه اول قصیده خرم در سینه اسپر ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۶).



تصویر ۱۵: نیمه دوم قصیده خرم در سینه اسپر ایوان شرقی مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج (عکس از نگارنده، ۱۳۸۶).